

فهرست مطالب

مقدمه‌ی مترجم ۹

احمد اشرف و هویت ایرانی ۱۳

مقدمه ۲۱

فصل نخست: مفاهیم و نظریه‌ها: هویت ایرانی به سه روایت ۲۵

۱. روایت ملت‌پرستانه ۲۶

۲. روایت‌های مدرن و پست‌مدرن ۲۹

۳. روایت تاریخی‌نگر ۳۷

فصل دوم: شکل‌گیری «ایده‌ی ایران و هویت ایرانی در ایران باستان»

(گراردو نیولی) ۴۷

فصل سوم: «تاریخ ایده‌ی ایران»: هویت ایرانی در دوره‌ی هخامنشی و

اشکانی (پارتی) (شاپور شهبازی) ۵۷

فصل چهارم: هویت تاریخی و فرهنگی ایران در دوره‌ی اسلامی..... ۸۱

۱. هویت ایرانی در ابتدای دوره‌ی اسلامی..... ۸۴
- جنبش‌های مقاومت..... ۸۴
- سلسله‌های محلی ایرانی..... ۸۵
- اندیشمندان ایرانی..... ۸۶
- جنبش ادبی شعویه..... ۸۷
۲. ادبیات فارسی و تجدید حیات هویت ایرانی..... ۹۰
- تاریخ سستی و شاهنامه..... ۹۱
- همخوانی اسطوره‌های ایرانی و اسلامی..... ۹۵
- مفاهیم سرزمینی و قومی ایران..... ۹۹
- کاربرد «واژه»ی ایران در آغاز پیدایش ادبیات مکتوب فارسی..... ۱۰۲

فصل پنجم: هویت ایرانی در دوره‌ی فرمانروایی ترکان..... ۱۰۷

۱. هویت ایرانی در دوره‌ی گذار غزنوی..... ۱۰۹
۲. هویت ایرانی در دوره‌ی سلجوقیان..... ۱۱۴
۳. هویت ایرانی در دوران ایلخانان و تیموریان..... ۱۲۵
- هویت ایرانی در پهنه‌ی جغرافیای تاریخی ایران..... ۱۲۸
- دوره‌بندی تازه‌ای از تاریخ سستی ایران یا بازسازی تاریخ ملی پیشامدرن..... ۱۳۵

فصل ششم: دوران صفوی: عصر دین و وطن..... ۱۴۳

۱. دین و هویت قومی و ملی..... ۱۴۵
- اسطوره‌ی بی‌بی شهربانو..... ۱۴۸
- سوگ سیاوش و تعزیه‌ی شاه شهیدان..... ۱۶۱
- مناقب نوروز در احادیث شیعه..... ۱۶۶
- فرقه‌ی دساتیری آذریکوان..... ۱۷۱
۲. ایده‌ی ایران در تاریخ‌نگاری صفوی..... ۱۷۴
- تعمیم «حب الوطن» به ایران..... ۱۷۹

فصل هفتم: هویت ایرانی در قرن نوزدهم و بیستم میلادی.....	۱۹۵
۱. فرهنگ واژگان در حال ظهور ملی ایران.....	۱۹۷
۲. هویت ملی در جنبش‌های اصلاحی و انقلاب.....	۲۰۰
هویت ملی و جنبش‌های اصلاحی.....	۲۰۰
مدارس مدرن و مطبوعات.....	۲۰۲
ناسیونالیسم رومانتیک.....	۲۰۳
۳. انقلاب مشروطه و هویت ملی ایرانی.....	۲۰۵
فصل هشتم: پیدایش ناسیونالیسم دولتی در دوران پهلوی.....	۲۰۹
سیاست هویت ایرانی.....	۲۱۶
نتیجه‌گیری.....	۲۲۱
کتاب‌نامه.....	۲۲۵
نمایه.....	۲۴۷

مقدمه‌ی مترجم

پایان جنگ سرد، که فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در ۱۹۹۱ م. مهم‌ترین جلوه‌ی آن بود، پیامدهای عمده‌ای داشت. این پیامدها صرفاً به لحاظ تحولات جدید نظری و اندیشه‌ای حاصل شده بودند، نه به لحاظ استراتژیک و دگرگونی‌های به وجود آمده در نظام جهانی و توازن قوای بین‌المللی. این دگرگونی نظری در تمام عرصه‌های علوم اجتماعی و شعبه‌های گوناگون پژوهشی آن نمود پیدا کرد و پژوهشگران و نظریه‌پردازان، دیدگاه‌های جدیدی در خصوص مقولاتی چون امنیت، نظام بین‌الملل، دموکراسی، ثبات سیاسی، دولت، حاکمیت و ملکیت را وارد بازار نظریه‌پردازی علوم اجتماعی کردند.

اما از میان همه‌ی این دگرگونی‌ها و بحث‌های نظری جدید، بی‌گمان مفهوم جهانی‌شدن، علل و عوامل آن، و به‌ویژه پیامدهای آن، جایگاه عمده‌ای پیدا کرد و برای مدت پانزده سال به یکی از مهم‌ترین مفاهیم نظری پس از جنگ سرد تبدیل شد. نظریه‌ی جهانی‌شدن به منزله‌ی یک مفهوم کلان، و بحث‌های نظری خردتر حاشیه‌ی آن در خصوص دولت، حاکمیت، ملت، امنیت و نظایر آن نوعی چالش اساسی برای پدیده‌ی

دولت - ملت و ملی‌گرایی یا ناسیونالیسم و، به بیان دقیق‌تر، هویت ملی به حساب آمدند. از یک سو، این دگرگونی‌های نظری و برآمدن دیدگاه‌های جدید درباره‌ی دولت - ملت، و از سوی دیگر ظهور نظریه‌های جدید مربوط به ملیت و قومیت در سال‌های پیش از پایان جنگ سرد که دیدگاه‌های مدرن ملیت و هویت ملی را به چالش می‌طلبید، باعث شدند تا در گرماگرم بحث جهانی‌شدن، مسئله‌ی هویت، ملیت، هویت ملی و آینده‌ی آن، و همچنین ارتباط این هویت با ملل دیگر مورد توجه قرار گیرد.

این دگرگونی نظری و دگرگونی‌های ژئوپولیتیک منطقه‌ای و داخلی در ایران، دست به دست هم دادند تا موضوع هویت و ملیت در ایران معاصر را به یکی از بحث‌های جذاب و مهم مطالعات اجتماعی کشور تبدیل کنند. به این نکته نیز باید توجه کرد که فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و استقلال کشورهای غیر روسی در آسیای میانه و قفقاز، به‌ویژه منطقه‌ی دوم، باعث ورود نیروهای الحاق‌گرای بیرونی و به تبع آن پیروان قوم‌گرای آن‌ها به صحنه‌ی سیاست‌های منطقه‌ای و داخلی ایران شده و چالشی تازه، هرچند محدود، را علیه امنیت ملی، هویت ملی و یکپارچگی سرزمینی ایران طرح کرده است. از سوی دیگر، غلبه‌ی گفتمان فراملی اسلامی‌گرایی برآمده از انقلاب اسلامی ایران، به‌ویژه در دهه‌های نخستین آن، بحث ملیت و هویت ملی را، که در گفتمان جدید رسمی دولت جمهوری اسلامی جایگاه چندانی نداشت، به موضوع محوری کشاکش میان موافقان و منتقدان گفتمان جدید تبدیل کرده است. این عوامل سه‌گانه، یعنی:

۱- دگرگونی‌های نظری و چالش‌های نظری برآمده از گفتمان جهانی‌شدن،

۲- دگرگونی‌های ژئوپولیتیک جدید منطقه‌ای پس از پایان جنگ سرد و فروپاشی شوروی و سرانجام،

۳- غلبه‌ی گفتمان فراملی اسلام‌گرا در سیاست‌های ایران باعث شدند که موضوع هویت و ملیت در ایران در دو دهه‌ی اخیر از اهمیت چشم‌گیری برخوردار گردد.

آن‌چه به حساس‌شدن مسئله‌ی هویت و ملیت در ایران انجامید، آن بود که دگرگونی‌های سه‌گانه‌ی بالا سبب شدند که نگاهی منفی، البته به شکل‌های گوناگون، به پدیده‌ی ملیت و هویت ملی در ایران شکل بگیرد. از یک سو، گفتمان سیاسی غالب رسمی در ایران پس از انقلاب اسلامی، به مسئله‌ی ملیت، ملی‌گرایی و هویت ملی نگاهی منفی‌یا، در خوش‌بینانه‌ترین حالت، نگاهی حاشیه‌ای داشت و آن را نوعی چالش یا تهدید برای هویت فراملی اسلام‌گرا تصور می‌کرد. از سوی دیگر، گفتمان الحاق‌گرای منطقه‌ای ضد ایرانی و نگاه قوم‌گرایانه‌ی مرتبط با آن یا مستقل از آن نیز با طرح مباحث قوم‌گرایانه‌ی فروملی درصدد بودند تا با تضعیف و نفی هویت ملی و ملیت ایرانی، سیاست‌های الحاق‌گرایانه را پیش برند.

سرانجام این‌که گروهی از پژوهشگران و دانش‌پژوهان، ایرانی و غیر ایرانی، فارغ از تأثیرات دو گفتمان پیشین اما تحت‌تأثیر گفتمان‌های جدید جهانی‌شدن و ترکیب آن با نگاه‌های مدرن به هویت و ملیت، به‌ویژه دیدگاه‌های بندیکت اندرسون، اریک هابسبام و تا حدی ارنست گلنر، گفتمان مدرن و پست‌مدرن هویت و ملیت در ایران را طرح کردند و به شکلی دیگر منکر وجود پدیده‌ای به نام هویت ملی و ملیت در ایران شدند. گرایش اخیر را می‌توان درواقع در چارچوب گرایش عام‌تری در ایران تحلیل کرد که شیفتگی به اندیشه‌های مدرن در علوم انسانی و اجتماعی و توسل به این اندیشه‌ها، از مارکسیسم گرفته تا اگزیستانسیالیسم و دیگر اندیشه‌های مدرن علوم اجتماعی ازجمله نوگرایی و پست‌مدرنیسم، برای تحلیل مسائل ایران ویژگی عمده‌ی آن بوده است. این گرایش که به‌ویژه بسیاری از دانش‌پژوهان علوم

اجتماعی معاصر ایران را به خود جذب کرده است، تکیه‌ی خود را بیش‌تر بر اصالت بحث‌ها و چارچوب‌های نظری، که عمدتاً نیز محصول بستر اجتماعی ایران نیستند، گذاشته و برخلاف پژوهشگران و نظریه‌پردازان علوم اجتماعی در غرب، نظریه‌ها را به‌خودی‌خود اصیل و محوری می‌داند، نه آن بستر اجتماعی را که می‌بایست تغذیه‌کننده‌ی نظریه‌ها باشد. گرایش مورد نظر برخلاف نظریه‌پردازان و پژوهشگران غربی، تکیه‌ی بسیار کمی بر شناخت پدیده‌ی مورد مطالعه یا کشور و جامعه‌ی مورد بحث و ویژگی‌های تاریخی و فرهنگی آن دارد و در وهله‌ی نخست نظریه‌ها و مدل‌های ساخته‌شده را معیار و محک اصلی سنجش مسائل ایران می‌داند.

هم‌زمانی این سه گرایش در سال‌های دهه‌ی ۱۹۹۰ م. (۱۳۷۰ ش.)، در داخل و خارج از ایران، به انتشار ادبیاتی درخصوص مسئله‌ی هویت و ملیت در ایران منجر شد که هر یک از زاویه‌ی دید خود مسئله را بررسی می‌کردند. گرچه خواستگاه، علایق و اهداف سیاسی- پژوهشی این سه جریان با یکدیگر متفاوت بود، اما محصول کار آن‌ها به یکدیگر شباهت داشت و عبارت بود از نوعی منفی‌نگری و انکار مستقیم یا غیرمستقیم وجود هویت ملی برای ایران. به‌صحنه‌آمدن ابزارهای جدید ارتباط جمعی نظیر شبکه‌های ماهواره‌ای و مهم‌تر از آن شبکه‌های ارتباط جمعی در اینترنت و شبکه‌های اجتماعی آن، انتشار و پخش این ادبیات را گسترش داد. رواج گسترده‌ی این ادبیات و پیامدهای احتمالی سیاسی و اجتماعی آن برای ایران از یک‌سو و نگرانی از تبدیل شدن آن به تنها معیار پژوهشی و سنجش موضوع مهم هویت و ملیت در ایران از سوی دیگر، گروهی از پژوهشگران و دانش‌آموختگان مسائل ایران را، در رشته‌های گوناگون علوم اجتماعی و انسانی، تشویق کرد تا مسئله‌ی هویت و ملیت در ایران را مبتنی بر مطالعات تاریخی، فرهنگی، اجتماعی و ادبی بررسی کنند و تصویری واقع‌نماتر از هویت ملی در ایران به دست دهند و

رهیافتی را که به نگاه «تاریخی‌نگر» یا «جامعه‌شناسی تاریخی هویت و ملکیت» در ایران مشهور شده است محور پژوهش‌های خود قرار دهند.^۱

احمد اشرف و هویت ایرانی

یکی از نخستین پژوهشگران باسابقه‌ی علوم اجتماعی ایران که در دوره‌ی مورد نظر توجه خود را به این مهم معطوف کرد احمد اشرف بود. جامعه‌ی دانشگاهی و پژوهشگران علوم اجتماعی ایران معاصر با نوشته‌های احمد اشرف، به‌ویژه در سال‌های پیش از انقلاب ۱۳۵۷ ش.، آشنا بودند. جایگاه او در پژوهش‌های اجتماعی ایران بسیار شاخص و شناخته‌شده بود.

آنچه احمد اشرف را در وهله‌ی نخست در جامعه‌ی پژوهشگران ایران متمایز کرد، پژوهش شناخته‌شده‌ی او درباره‌ی موانع تاریخی رشد سرمایه‌داری در ایران^۲ بود. مقایسه‌ی این اثر کم‌حجم، با سایر آثاری که از سوی پژوهشگران ایرانی و خارجی، اعم از روسی یا غیر روسی، درباره‌ی اقتصاد سیاسی ایران و پدیده‌ی سرمایه‌داری منتشر می‌شد و بیش‌تر نیز نگاه چپ ایدئولوژیک و عمدتاً نظریه‌محور داشت، نشان می‌دهد که اشرف نگاه بسیار واقع‌گرایانه‌تر و تاریخی‌تری به ریشه‌یابی موانع رشد بورژوازی و سرمایه‌داری در ایران معاصر داشته است. در این اثر، اشرف به جای تکیه‌ی صرف بر دیدگاه‌های نظری گوناگون درباره‌ی موانع رشد بورژوازی ملی و سرمایه‌داری در ایران، با نگاهی تاریخی‌محور و با مراجعه به انبوهی از اسناد دست اول در مراکز اسنادی ایران و خارج از ایران و نیز بهره‌گیری از داده‌های گسترده‌ی مربوط به قانون‌های

۱. برای مطالعه‌ی بیش‌تر درباره‌ی این گرایش و نمونه‌های آثار پژوهشی آن بنگرید به: حمید احمدی، *بنیادهای هویت ملی ایرانی: چارچوب نظری هویت ملی شهروندمحور* (تهران: پژوهشکده‌ی مطالعات فرهنگی و اجتماعی، ۱۳۹۰) ص ۲۹۹-۳۳۱.

۲. احمد اشرف، *موانع تاریخی رشد سرمایه‌داری در ایران* (تهران: انتشارات زمینه، ۱۳۵۹).

اولیه‌ی تولید و تجارت خارجی ایران و با ارائه‌ی فرضیه‌ی جامعه‌ی نیمه‌مستعمره، سازوکار ضعف و زوال بورژوازی ملی ایران، به‌ویژه در عرصه‌ی تجارت خارجی، را در سال‌های پایانی قرن نوزدهم و اولین سال‌های قرن بیستم نشان داد. اشرف در پژوهش‌های بعدی خود درباره‌ی طبقات اجتماعی، دولت و انقلاب در ایران^۱ و جایگاه تئوری توطئه در ایران معاصر،^۲ با اتکا به همین دید تاریخی‌نگر، مسائل ایران را تحلیل کرده است.

احمد اشرف که از پژوهشگران و سرویراستاران ارشد دانشنامه‌ی بین‌المللی *ایرانیکا* در دانشگاه کلمبیاست، به موضوع هویت ایرانی در قالب یکی از مدخل‌های آن دانشنامه پرداخت. نگارنده برای نخستین بار بخش کوتاهی از نوشته‌ی اشرف را درباره‌ی هویت ایرانی در یکی از صفحات روزنامه‌ی *اطلاعات* در سال‌های آخر دهه‌ی ۱۳۷۰ یا اوایل دهه‌ی ۱۳۸۰ ش. مطالعه کرد. برای من که مشاهده‌ی رواج ادبیات سیاسی و ایدئولوژیک الحاق‌گرایانه و قوم‌گرا درباره‌ی ایران و هویت و ملیت آن، به‌ویژه در سال‌های پس از فروپاشی شوروی، سبب شده بود تا موضوع پایان‌نامه‌ی خود، در دوره‌ی دکتری علوم سیاسی در دانشگاه کارلتون کانادا (۱۳۶۹-۱۳۷۴ ش.)، را به جای کشمکش اعراب-اسرائیل بر سر فلسطین به بحث ضروری‌تر هویت ملی و واکاوی مسئله‌ی اقوام ایرانی و علل سیاسی‌شدن آن در ایران اختصاص دهم، دیدن آن بخش کوچک از مقاله‌ی اشرف درباره‌ی هویت ایرانی در روزنامه‌ی *اطلاعات*، و این‌که پژوهشگر برجسته‌ای چون او نیز به این امر ضروری پرداخته است، بسیار مسرتبخش بود.

۱. احمد اشرف، علی بنوعزیزی، *طبقات اجتماعی، دولت و انقلاب در ایران*، ترجمه‌ی سهیلا ترابی فارسانی (تهران: انتشارات نیلوفر، ۱۳۸۸).

۲. احمد اشرف، پرواند آبراهامیان، همایون کاتوزیان، *جستارهایی درباره‌ی تئوری توطئه در ایران*، ترجمه‌ی محمد ابراهیم فتاحی (تهران: نشرنی، ۱۳۸۶).

با توجه به علاقه‌ی آقای اشرف به این بحث، چندی بعد از ایشان درخواست کردم که مسئولیت نوشتن یکی از فصل‌های کتاب در دست تدوینم را، یعنی *ایران: هویت، ملیت و قومیت*، به عهده بگیرند و ایشان نیز با فروتنی تمام این مهم را به انجام رساندند.^۱ همین امر سبب آشنایی متقابل شد. سرانجام در سال ۱۳۸۳ ش. در جریان کنفرانسی در دانشگاه استنفورد امریکا درباره‌ی مسائل ایران و چند روز بعد در کنفرانس دیگری در واشنگتن در دیدار با آقای احمد اشرف از ایشان درباره‌ی مقاله‌ی هویت ایرانی جويا شدم. آن گفت‌وگوها و آشنایی ایشان با کار من درباره‌ی قومیت و قوم‌گرایی، و نیز نوشته‌های مرتبط با هویت ملی در ایران^۲، که برخی از آن‌ها را مدتی بعد برایشان فرستادم،^۳ زمینه‌ساز ارتباط بیش‌تر و سرانجام پیشنهاد ترجمه‌ی مقاله‌ی هویت ایرانی شد.^۴

پس از پایان ترجمه و افزودن مطالب اندکی درباره‌ی واژه‌ی «ایران» در اشعار شعرای کلاسیک ایران، متن برگردانده‌شده را برای اظهارنظر نهایی برایشان فرستادم. پس از دیدن متن فارسی و افزوده‌های اندک من، آقای اشرف پیشنهاد کردند برای آگاهی بیش‌تر خوانندگان فارسی‌زبان ضروری است وقت بیش‌تری به گسترش بحث و تدوین نهایی اثر اختصاص داده شود. بدین ترتیب، ایشان با مراجعه به آثار تاریخی و ادبی دوران اسلامی تا دوره‌ی معاصر و انقلاب مشروطیت، به‌تدریج بر دامنه‌ی بحث افزودند و این افزوده‌ها را به صورت دست‌نوشته و با الحاق به

۱. بنگرید به: احمد اشرف، «بحران هویت ملی و قومی در ایران»، در حمید احمدی، *ایران: هویت، ملیت و قومیت* (تهران: مؤسسه‌ی توسعه‌ی علوم انسانی، ۱۳۸۱).

۲. حمید احمدی، «هویت ملی ایرانی: بنیادها و ضرورت بازسازی»، *نامه‌ی پژوهش* (تابستان ۱۳۸۲).

۳. حمید احمدی، «هویت ملی ایرانی در گستره‌ی تاریخ»، *فصلنامه‌ی مطالعات ملی*، شماره‌ی پانزدهم (بهار ۱۳۸۲).

۴. متأسفانه درست به خاطر نمی‌آورم که من پیشنهاد ترجمه را به ایشان دادم یا ایشان مدتی بعد از راه تماس‌های رایانه‌ای (ایمیل) ترجمه‌ی مقاله‌ی خود را به من پیشنهاد دادند.

بخش‌های گوناگون برگردان فارسی برایم فرستادند. در این فرایند بود که به‌مرور زمان بخش‌های اندکی از برگردان فارسی تغییر یافت و مطالب بیش‌تری به آن افزوده شد.

در این دوران بود که برخی از نشریات ایران با اطلاع از مقاله‌ی آقای اشرف در *ایرانیکا* و مشارکت ایشان در مناظرات تلویزیونی، به چاپ مقاله‌ی ایشان ابراز علاقه کرده بودند. آقای اشرف نیز با دادن اجازه‌ی انتشار برگردان فصل نظری کتاب، یعنی «هویت ایرانی به سه روایت»، به نشریه‌ی *بخارا*، طی یادداشتی در این نشریه نوشتند:

مقاله‌ی حاضر خلاصه‌ی مقدمه‌ای است که برای کتاب هویت ایرانی تهیه و پیش از انتشار کتاب به خوانندگان مجله‌ی *بخارا* تقدیم شده است. این کتاب مجموعه‌ی چهار مقاله‌ای است که در دانشنامه‌ی ایرانیکا در سال ۲۰۰۷م. منتشر شده و به همت آقای دکتر حمید احمدی، دانشیار محترم دانشکده‌ی حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، که صاحب‌نظر در موضوع هویت ایرانی هستند، ترجمه شده است. از آن‌جا که اصل این مطلب برای دانشنامه تهیه شده بود و در همه‌ی موارد به اختصار کوشیده بودم، به تجدید نظر در مقالات پرداختم. نظر به این‌که کتاب به‌زودی برای چاپ آماده خواهد شد، از علاقه‌مندان به این مبحث، که به این‌جانب نیز نظر لطف دارند، تمنا دارم منتظر انتشار کتاب باشند و از ترجمه‌ی تمام و یا بخشی از آن خودداری فرمایند تا موجب شرمساری بنده نگردد.^۱

به‌هرحال، اصلاحات و اضافات جدید و ضرورت تکمیل و تدوین کار با رجوع به منابع اصلی جهت ارجاع‌دهی دقیق، و به‌ویژه تکمیل

۱. احمد اشرف، «هویت ایرانی به سه روایت»، *بخارا*، شماره‌ی ۶۶ (شهریور ۱۳۸۷).

برخی نقل قول‌های مستند به کتاب‌های تاریخی و اشعار شعرای پارسی‌گوی قدیم باعث طولانی‌شدن تکمیل نسخه‌ی نهایی شد. عامل دیگری نیز که تا حد کم‌تری به طولانی‌شدن فرایند تکمیل کار انجامید، تکمیل کتابنامه‌ی فصل مربوط به نوشته‌ی گرار دو نیولی درباره‌ی هویت ایرانی در ایران باستان بود. از آن‌جا که این بخش درواقع فشرده‌ای از کتاب اصلی نیولی درباره‌ی ایده‌ی ایران بود، ارجاعات آن گاه ناقص و کوتاه می‌نمود. تکمیل منابع اصلی و ویژگی‌های کامل آن نیز، با توجه به قدیمی‌بودن برخی از ارجاعات، زمان می‌طلبد. این بخش را احمد اشرف به سلیقه‌ی خود در آغاز، یعنی پیش از بحث هویت ایرانی در دوران اسلامی، گنجانده بود که کار بسیار شایسته و انتخاب بجایی بود.

از آن‌جا که گرار دو نیولی از مهم‌ترین پژوهشگران خارجی عرصه‌ی ایران‌شناسی سیاسی به شمار می‌آید و تنها کسی است که برجسته‌ترین اثر ایران‌شناسی سیاسی را درباره‌ی ریشه‌یابی نام ایران و به تبع آن هویت ایرانی در ایران باستان عرضه کرده است،^۱ آشنایی ایرانیان با کار او بسیار ضروری می‌نمود. درواقع، فصل مربوط به هویت ایرانی در دوران باستان نشان‌دهنده‌ی این نکته است که برخلاف دیدگاه‌های مدرن و پست‌مدرن که برآمدن هویت ایرانی را به دوران پهلوی یا اندکی پیش از آن مربوط می‌دانند، هویت ایرانی ریشه‌ای تاریخی داشته و همان‌طور که نیولی با مراجعه به متون کهن دینی، تاریخی و سیاسی ایران باستان نشان داده است، ایده‌ی ایران به‌مزله‌ی منظومه‌ای هویتی به دوران اوستایی، کیانی و هخامنشیان باز می‌گردد که در آغاز بیشتر جنبه‌های قومی و نژادی داشته و

1. Gerharado Gnoli, *The Idea of Iran. An Essay on its Origin* (Roma: 1989).

این کتاب با ویژگی‌های زیر به فارسی برگردانده شده است:
 گرار دو نیولی، *آرمان ایران*، ترجمه‌ی سیدمنصور سیدسجادی (تهران: مؤسسه‌ی فرهنگی و هنری پیشین، ۱۳۸۷).

بعدها در دوره‌ی ساسانیان تکامل پیدا کرده و جنبه‌های سیاسی - سرزمینی و تا حدی دینی نیز پیدا کرده است.

بحث نیولی درباره‌ی ایده‌ی ایران و هویت ایرانی در دوران باستان، به برخی از ایران‌شناسان دیگر انگیزه داد تا به مطالعه و تعمق بیش‌تر درباره‌ی آن بپردازند. یکی از این ایران‌شناسان که خود نیولی نیز به نوشته‌های او برای مطالعه‌ی بیش‌تر ارجاع داده است^۱ شاپور شهبازی استاد وقت مطالعات ایران در دانشگاه اورگون شرقی بود که یکی از برجسته‌ترین ایران‌شناسان ایرانی معاصر به شمار می‌رفت و بیش‌تر نوشته‌های خود را در خارج از ایران و به زبان‌های انگلیسی و سایر زبان‌های اروپایی منتشر کرده بود.^۲ شهبازی در بخشی از کتابی درباره‌ی امپراتوری ایران که در سال ۲۰۰۵م. از سوی انتشارات آی. بی. توریس در انگلستان و آمریکا منتشر شده، به ایده‌ی ایران پرداخته است. در این نوشته، او بحث نیولی درباره‌ی ایده‌ی ایران را گسترش داده و این نظریه‌ی نیولی را که ایده‌ی ایران در دوره‌ی هخامنشی و اشکانی همانند دوره‌ی ساسانی سیاسی نبوده است، نقد کرده و با بهره‌گیری از منابع کهن ایرانی و غیر ایرانی و تفسیر آن متون نشان داده است که ایده‌ی ایران از دوره‌ی اوستایی و حتا کیانی (پیشااوستایی) به بعد، ازجمله در دوره‌ی هخامنشیان و اشکانیان (پارت‌ها)، مفهومی سیاسی داشته و برای ایرانیان آن دوره‌ها بازتاب ملیت و هویت ملی بوده است.

به این شکل، متن کنونی *هویت ایرانی*، با توجه به برگردان نوشته‌ی شهبازی و افزوده‌های آقای اشرف، بسیار گسترده‌تر از نسخه‌ی انگلیسی چاپ‌شده‌ی آن در *دانشنامه‌ی ایرانیکا*ست. متن نهایی به

۱. بنگرید به: پاراگراف دوم فصل دوم همین کتاب.

۲. شهبازی یک سال پس از انتشار این مطلب، در سال ۲۰۰۶م. در آمریکا درگذشت. جسد او بنا به وصیتش به ایران انتقال یافت و در حافظه‌ی شیراز به خاک سپرده شد.

سلیقه‌ی من در هشت فصل سازماندهی شده که دربرگیرنده‌ی بحث نظری درباره‌ی روایت‌های موجود از هویت ایرانی، هویت ایرانی در دوره‌ی باستان (برگردان مقاله‌ی گراردو نیولی و شاپور شهبازی)، هویت ایرانی در قرون اولیه‌ی اسلامی، هویت ایرانی در دوره‌ی فرمانروایی ترکان، هویت ایرانی در عصر صفوی، هویت ایرانی در دوره‌ی مدرن یعنی دوران قاجار و مشروطیت و سرانجام هویت ایرانی در دوره‌ی پهلوی است.

اگرچه متن نهایی تا حدی برابند تلاش و دغدغه‌ی دوجانبه است، اما نگارنده به جز برگردان مقاله‌ی نیولی، شهبازی و همچنین افزودن برخی مطالب مربوط به نقل قول‌ها، اعم از متون تاریخی، دینی و یا دواوین شعرای کلاسیک ایران، تکمیل ارجاعات، تهیه‌ی کتابنامه‌ی فارسی و انگلیسی، فصل‌بندی نهایی، عنوان‌بندی‌های فرعی مباحث و سرانجام برخی افزوده‌های اندک در پانویس‌ها در توضیح برخی مطالب، دخل و تصرفی در متن نهایی آقای اشرف نکرده و آنچه از نظر خوانندگان می‌گذرد، درواقع نسخه‌ی برگردانده‌شده‌ی هویت ایرانی و اضافات و تکمیلات بعدی احمد اشرف به بخش‌های گوناگون آن است.

نگارنده امیدوار است که انتشار این کتاب در بحث هویت ایرانی و ریشه‌های تاریخی آن و در ادبیات مربوط به هویت و ملیت در ایران سهمی داشته و برای ایرانیان، به‌ویژه نسل جوان ایرانی، در دنیای پیچیده و پر راز و رمز جهانی‌شدن و گسترش شبکه‌های ارتباطی جهانی، آگاهی‌بخش باشد. همچنین بر خود لازم می‌دانم از همه‌ی کسانی، اعم از دانشجویان، همکاران و پژوهشگران علاقه‌مند به بحث هویت در ایران، که جویای زمان تکمیل برگردان نوشته‌ی احمد اشرف بودند و مرا در این راه تشویق کردند و یاری دادند سپاسگزاری کنم. دراین خصوص شایسته است تا به کمک بی‌شائبه‌ی

دکتر محمدتقی راشد محصل، استاد و پژوهشگر زبان‌های باستانی و مترجم برخی از کتاب‌ها و متون دینی اوستایی و پهلوی به فارسی، اشاره کنم که مرا در یافتن معادل و رسم الخط فارسی واژگان کهن اوستایی و فارسی باستان یا پهلوی در خصوص مقالات نیولی و شهبازی یاری دادند. بیش از همه نیز امیدوارم که محصول نهایی را آقای احمد اشرف بپسندند و انتشار آن، سهم و نقش بزرگ ایشان در شناساندن هویت ایرانی به ایرانیان و ایران‌شناسان را آشکار کند.

حمید احمدی

فروردین ۱۳۹۵

دانشگاه تهران

hahmadi@ut.ac.ir

مقدمه

هویت ملی و قومی، مانند دیگر پدیدارهای اجتماعی، مقوله‌ای تاریخی است که در سیر حوادث و مشی وقایع تاریخی پدیدار می‌شود، رشد می‌کند، دگرگون می‌شود و معانی گوناگون و متفاوت پیدا می‌کند. از این رو، از عوامل گوناگونی که برای تعریف قوم و ملت، قومیت و ملیت، و هویت قومی و ملی در نظر آمده، همچون نژاد و سرزمین، دولت و تابعیت، زبان و سنت مشترک فرهنگی و ریشه‌های تاریخی، دین و ارزش‌های اجتماعی، اقتصاد و روابط تولید، هیچ‌کدام یا هیچ مجموعه‌ی مشخصی از آن‌ها را نمی‌توان ملاکی عام برای تعریف و تمیز قوم و ملت و هویت قومی و ملی دانست. درخصوص هر قوم یا ملت، در هر دوره‌ای، مجموعه‌ای از چند عامل اهمیت می‌یابد و سیر حوادث و مشی وقایع تاریخی آن را دگرگون می‌کند. هویت قومی و ملی امری طبیعی و ثابت نیست که پایه‌های مشخص و تغییرناپذیر داشته باشد بلکه پدیداری است که گذشته از عناصر عینی و آفاقی، ریشه در تجربه‌های مشترک و خاطرات و تصورات جمعی مردم دارد؛ در دوره‌ی تاریخی معینی ابداع می‌شود، خاطرات تاریخی در ارتباط با آن شکل می‌گیرد یا

خاطرات فراموش شده درخصوص آن احیا می‌شود، قبale‌ی تاریخی برایش ثبت می‌شود و در سالگردها و سالروزها به حیاتش ادامه می‌دهد. هویت قومی که از دوران پیش از تاریخ همچنان تداوم داشته است، ریشه در احساس تعلق به طایفه و تیره و قبیله و قوم و ایل دارد. افراد یک قوم یا طایفه که نیا و آداب و رسوم و کلانتران و کدخدایان مشترک دارند، در سرزمین معین زندگی می‌کنند، هم‌زبان‌اند، با یکدیگر در زمینه‌های اقتصادی هم‌یاری دارند، برای دفاع از منافع جمعی قوم و قبیله می‌جنگند و معمولاً با نام معین و هویت جمعی مشخص از اقوام و طوایف دیگر متمایز می‌شوند. درواقع، این احساس بسیار قدیمی قومیت و ایلیت را می‌توان از عناصر تاریخی هویت ملی در عصر جدید دانست.

اما هویت ملی درحالی‌که با هویت قومی بستگی‌هایی دارد، از پدیدارهای تاریخی عصر جدید است که در جریان پیدایش دولت‌های ملی در دو قرن گذشته در سراسر جهان شکل گرفته است.

هویت ملی و قومی از تصور تمایز و رویارویی میان «ما» یا «خودی‌ها» در برابر «دیگران» یا «بیگانگان» نشئت می‌گیرد: ایران در برابر آنیران (که در زمان ساسانیان رواج گرفت)، ایران در برابر توران (به مفهوم اسطوره‌ای و تاریخی و بعدها به منزله‌ی سرزمین مردمان ترک‌تبار)، ایران در برابر روم (نوعی تعبیر اسطوره‌ای و واقعی که درخصوص یونان و روم و بیزانس یا روم شرقی و امپراتوری عثمانی به کار می‌رفت)، عجم، عمدتاً ایرانی، در برابر عرب، تاجیک (فارسی‌زبان) در برابر ترک، ایران در برابر هند (از زمان صفویه) و ایران در برابر فرنگ (اروپا).

این احساس دوگانگی میان «ما و دیگران» اگر در حد اعتدال و معقول باشد می‌تواند همچون نیرویی برای هم‌یاری و اعتلای فرهنگی ظاهر شود و اگر به قلمرو تعصبات و دشمنی‌ها و کینه‌توزی‌های ملی و قومی و نژادی درآید یا به بهانه‌ی چالش با تعصبات ملی و قومی، به نفی و انکار و تمسخر میراث فرهنگی خویش بنشیند، نیرویی ویرانگر خواهد شد، زاینده‌ی دشمنی و ستیزه‌جویی.

در این کتاب پس از بررسی فشرده‌ی دیدگاه‌های مربوط به هویت قومی و ملی، که بازسازی هویت ایرانی را در دوران ما شکل داده و به تصویر کشیده‌اند، تحول تاریخی هویت ایرانی در چند دوره‌ی متمایز تاریخی بررسی و تحلیل می‌شود: دوران پیش از اسلام، سده‌های میانه‌ی اسلامی تا دوران صفویه، پیدایش هویت «شیعی - ایرانی» در دوره‌ی صفوی و سرانجام پیدایش تطور و هویت ملی ایرانی در قرن‌های نوزدهم و بیستم میلادی.

احمد اشرف